تازه از بیمارستان آمده بودم و هم جراحت داشتم و هم عوارض جراحت ... اوایل شب بود که اطلاع پیدا کردم، نگران بودم و هم در یک حال بهت قرار داشتم... فردا صبح زود با اینکه بعضی‌ها من را منع می‌کردند، سوار ماشین شدم و گفتم مرا به مجلس ببرید. مرا به مجلس آوردند و با زحمت زیاد خودم را به اتاق آقای هاشمی رفسنجانی رساندم و جنازه‌ها را دیدم و مردم هم جمع شده بودند و با اینکه دوستان من را از صحبت کردن منع می‌کردند، ولی دیدم که نمی‌توانم طاقت بیاورم و صحبت نکنم، لذا به میان مردم رفتم و صحبت کردم. در حدود ۱۰ دقیقه با فشار زیاد صحبت کردم و خودم هم فکر نمی‌کردم که بتوانم در آن شرایط صحبت کنم که البته بعد آمدم به زمین افتادم و دکترها بالای سرم آمدند و به‌هرحال احساساتم خیلی تند و جوشان بود.

۸ شهریور ۱۳۶۰ در پی انفجار بمب در دفتر نخست‌وزیری، آقایان محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهور و دکتر محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر، به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. سال ۱۳۶۱ و در اولین سالگرد شهادت آنان، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای طی گفت‌وگویی با روزنامه جمهوری اسلامی، از مشی سیاسی و شخصیتی آن دو شهید گفت. آنچه در پی می‌آید متن پیاده‌شده از ویژه‌نامه روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت اولین سالگرد شهادت شهیدان رجایی و باهنر است.

روایت رهبر شهید انقلاب از شهادت رجایی و باهنر

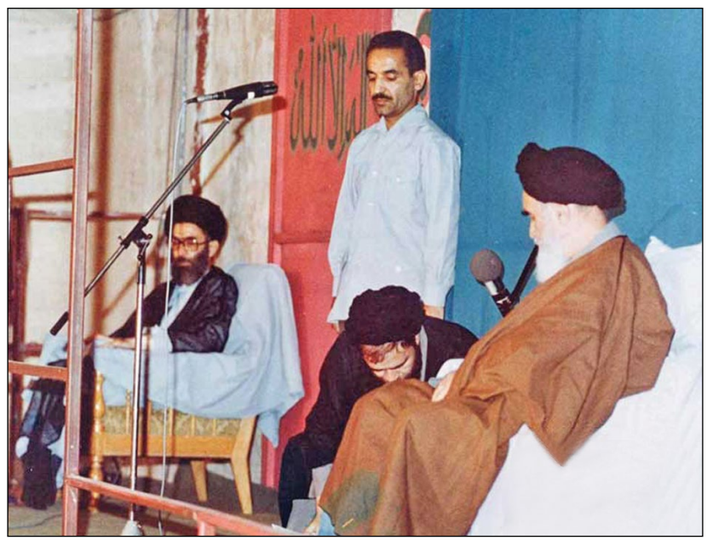

آغاز مبارزه شهید باهنر به روایت آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با سابقه مبارزاتی شهید باهنر می‌گویند: آنچه ما از سابقه مبارزاتی برادر شهید عزیزمان آقای باهنر اطلاع داریم مربوط به سال ۳۶ و ۳۷ می‌شود. در آن سال‌ها ایشان به اتفاق ۳ نفر دیگر که یکی از آنها آقای هاشمی رفسنجانی بودند، اقدام به تأسیس یک نشریه سالیانه‌ای به نام مکتب تشیع کردند که بعد نشریه سه‌ماهه‌ای هم به آن اضافه کردند و این بهترین نشریه‌ای بود که در آن روز در ایران منتشر می‌شد، یعنی به نظر من حتی از نشریه مکتب اسلام هم از جنبه انقلابی بهتر بود. [انتشار] این نشریه مدت‌ها ادامه پیدا کرد و در آن مقالات عمیق انقلابی و بسیار جالب به چاپ می‌رسید و از همه اندیشمندانی که آن روز به نام بودند و دستی به قلم داشتند، مقاله نوشته می‌شد و در آن درج می‌شد. دستگاه روی این مسئله حساسیت پیدا کرد و نتیجه این شد که این نشریه مدت‌ها توقیف شد و فکر می‌کنم که مدتی هم مخفیانه منتشر می‌شد. شهید باهنر از آن تاریخ در صحنه مبارزات وارد شده بود.

شهید مطهری و شهید بهشتی شیفته خصوصیات اخلاقی شهید باهنر بودند

آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند: در همه مجامعی که یک کار فکری از سوی جمع ما انجام می‌گرفت، مرحوم شهید باهنر به عنوان یک عنصر کارآمد و ارزشمند حضور داشت. ایشان در مورد اخلاق خصوصیاتی داشت که نظیر آن را ما خیلی کم داریم، مرحوم شهید مطهری و بیش از ایشان شهید بهشتی بسیار شیفته خصوصیات اخلاقی دکتر باهنر بودند. مهم‌ترین خصوصیات ایشان این بود که کار زیاد و مفید را بدون هیچ‌گونه تظاهر و هیجان ظاهری انجام می‌داد.

اولین برخورد سخت رژیم پهلوی با شهید باهنر

آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقش شهید باهنر در انقلاب و مواجهه رژیم با ایشان می‌فرمایند: دکتر باهنر در سال ۴۲ در مسجد جامع تهران در ماه رمضان سخنرانی پرشور و مهمی داشتند که براساس همان گرفتار شدند. من هم در همان ماه رمضان زندان بودم و بعد از اینکه یک ماهی از زندانی‌شدن من گذشته بود، مرحوم باهنر را هم در قزل قلعه بازداشت کردند، منتها من در یک بند آن زندان بودم و ایشان در بند دیگر و فکر می‌کنم ایشان در حدود چهار ماهی در زندان بود. این اولین برخورد سخت دستگاه با شهید باهنر بود. بعد از آن هم دائماً در جریان انقلاب بودند.

هدیه شهید باهنر به آیت‌الله خامنه‌ای در دوران تبعید

آیت‌الله خامنه‌ای ادامه می‌دهند: در آموزش‌وپرورش در قبل از انقلاب ایشان (شهید باهنر) مسئول تهیه و تدوین کتاب‌های درسی علوم دینی بود. در این اواخر، خصوصاً در سال ۵۷ بود که دستگاه احساس وحشت کرد و دیگر تمایلی که کتاب‌ها به آن شکل [ماهیت کتب عوض شده بود و روزبه‌روز هم کتاب‌ها بهتر می‌شد] باشد، نداشت. البته اضافه کنم که در تهیه این کتاب‌ها مرحوم شهید بهشتی هم نقش بسیار عمده‌ای داشتند. تهیه‌کننده مطالب و خط‌دهنده شهید بهشتی بود و نویسنده و تدوین‌کننده کتاب‌ها به عهده شهید باهنر و بعضی دیگر از برادران بود.

یادم هست در سال ۵۷ من در ایرانشهر تبعید بودم و شهید باهنر در آنجا به دیدن ما آمد و نسخه‌ای از کتابی که تهیه کرده بود و به وسیله عوامل اطلاعاتی و تحقیقاتی دستگاه و ساواک مورد بررسی قرار گرفته بود را ارائه دادند و ما دیدیم که در آن نسخه شاید ۳ نفر از عوامل دستگاه روی آن مطلب نظر داده بودند و نظرات آنها حاکی از آن بود که از وجود چنین کتابی احساس وحشت می‌کنند. در حاشیه کتاب چیزهایی نوشته بودند که کاملاً نشان می‌داد که اینها از وجود چنین کتابی در آموزش‌وپرورش چقدر متوحش و سراسیمه هستند و ایشان آن را به ما نشان دادند و گفتند ببینید که دستگاه چقدر روی این کتاب‌ها حساس است و حق هم با ایشان بود. من فکر می‌کنم که اگر آن وضع ادامه پیدا می‌کرد، سال‌ها بعد به آقای باهنر و امثال ایشان اجازه نمی‌دادند که کتاب‌های درسی را آنها تنظیم کنند. به هر حال نقش ایشان قبل از انقلاب در آموزش‌وپرورش این بود که نقش بسیار مهم و حساسی بود.

نحوه آشنایی آیت‌الله خامنه‌ای با شهید رجایی

آیت‌الله خامنه‌ای نحوه آشنایی با شهید رجایی را چنین روایت می‌کنند: اولین‌باری که شهید رجایی را دیدم در دماوند در منزل آقای باهنر بودم. آقای باهنر در تابستان به دماوند رفته بود و یک منزل کوچکی موقتاً آنجا گرفته بود. من هم برای یک روز فکر می‌کنم در سال ۱۳۴۶ بود که به آنجا رفته بودم، در اتاق آقای باهنر دیدم که یک جوان بسیار مؤدب و متین و علی‌الظاهر سرد (چون در برخورد اول مرحوم رجایی مخصوصاً در آن وقت‌ها خیلی سرد بود) آنجا نشسته بود و، چون من با او اظهار آشنایی نکردم، مرحوم باهنر فهمید که ما با هم آشنا نیستیم. گفت که شما با آقای رجایی آشنا نیستید؟ گفتم نه؛ بعد ایشان ما را با هم آشنا کرد. در آنجا ما با ایشان آشنا شدیم.

ارتباط آیت‌الله خامنه‌ای و شهید رجایی در زندان

آیت‌الله خامنه‌ای روایت می‌کنند: در سال ۱۳۵۳ که به زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری افتادیم، من در بند ۱ سلول ۲۰ بودم و آقای رجایی در بند ۱ سلول ۱۸ بود و من دائم با ایشان تماس می‌گرفتم. ارتباط‌مان هم به این صورت بود که من به وسیله «مورس» به سلول ۱۹ یک حرف‌هایی را می‌گفتم و او به وسیله مرس به آقای رجایی انتقال می‌کرد و مجدداً ایشان جواب می‌داد. به‌هرحال با هم تماس داشتیم و در یکی از آن تماس‌ها آقای رجایی به این وسیله به من فهماند که آیت‌الله منتظری را دستگیر و به اتاق ایشان آورده‌اند.

به هر حال ما با ایشان ارتباطات شیرین و دزدانه و بسیار صمیمی در آن موقع داشتیم و گاهی هم فرصتی دست می‌داد و در دستشویی و در هنگامی که سالن زندان را تمیز می‌کردیم، چون هرچند وقت نوبت یکی‌مان بود، یک فرصت‌هایی دست می‌داد که بتوانیم یک چشمکی و لبخندی به هم بزنیم.

چه کسی نخستین‌بار پیشنهاد نخست‌وزیری را به شهید رجایی داده بود؟

شهید رجایی پس از نخست‌وزیری در اولین مصاحبه خود گفتند که آقای خامنه‌ای به من پیشنهاد نخست‌وزیری را داده بودند. آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح این ماجرا می‌گویند: یک روز از طرف مجلس شورای اسلامی عده‌ای از نمایندگان انتخاب شدند برای اینکه بروند محل ساختمان مجلس شورای ملی سابق را ببینند و ارزیابی کنند که آیا می‌شود مجلس شورای اسلامی به آنجا منتقل شود یا نه؟ در آن عده بنده و شهید رجایی و بعضی دیگر بودند. ما رفته بودیم و داشتیم از آنجا بازدید می‌کردیم، خسته شده بودیم و یک گوشه من و رجایی نشسته بودیم و صحبت کابینه شد و اینکه چه کسی نخست‌وزیر بشود. من یک دفعه به ذهنم رسید که شهید رجایی چطور است برای این کار؟ گفتم: چرا شما نخست‌وزیر نشوید؟

اینهایی که بنی‌صدر پیشنهاد می‌کند هیچ‌کدام تواناتر از شما نیستند و شما خودتان را برای این کار آماده کنید. ایشان این مسئله را رد نکرد و بعد من با مرحوم بهشتی و بعضی از برادران صحبت کردم و گفتم با رجایی صحبت کردم و به ذهنم آمده و او هم رد نکرده است. این فکر در بین جمع ما قوت گرفت و ما به عنوان یک کاندیدای مورد قبول مسئله نخست‌وزیری ایشان را تعقیب کردیم. خوشبختانه در شورای مرکزی حزب این را مطرح کردیم و رأی خیلی زیادی هم آورد. با اینکه ایشان عضو حزب جمهوری اسلامی نبودند، ولی اعضای شورای مرکزی حزب به ایشان بیشترین رأی را دادند. مثلاً فرض کنید که چهل و چند امتیاز، از ۵۰ امتیاز به ایشان داده شد و افرادی که عضو حزب هم بودند حتی بعضی‌شان نصف ایشان هم رأی نیاوردند و از اینجا مسئله شروع شد تا به نخست‌وزیری ایشان منتهی شد.

شهید رجایی شدیداً تحت تأثیر شهید بهشتی بود

آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند: شهید رجایی شدیداً تحت تأثیر شهید بهشتی بود و برای شهید بهشتی احترام زیادی قائل بود و بعد از آن دورانی که رؤسای سه قوه، شورای موقت ریاست‌جمهوری را طبق قانون اساسی تشکیل داده بودند، رئیس قوه قضائیه که مرحوم شهید بهشتی بود و رئیس قوه مجریه که آقای رجایی بود و رئیس قوه مقننه که آقای هاشمی رفسنجانی بود که این سه نفر شورای موقت ریاست‌جمهوری را تشکیل داده بودند. در آن دوران من معمولاً در جلسات شرکت می‌کردم و به طور آشکار می‌دیدم که ایشان خیلی افکار و آرای مرحوم شهید بهشتی را قبول دارند و به آن احترام می‌گذارند.

عکس‌العمل آیت‌الله خامنه‌ای بعد از شنیدن خبر شهادت رجایی و باهنر

آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با احساس خودش بعد از شنیدن خبر شهادت رجایی و باهنر فرمود: بنده در آن وقت مریض بودم و تازه از بیمارستان آمده بودم و هم جراحت داشتم و هم عوارض جراحت، یعنی دچار بیماری دیگری شده بودم که همه اینها ناشی از آن آسیب بود و در یک حالت بدی در منزلی در اطراف نیاوران به سر می‌بردم ... اوایل شب بود که اطلاع پیدا کردم که هر دو (آقای رجایی و دکتر باهنر) شهید شده‌اند. دو دست عزیز و هم‌رزم و هم‌سنگر قدیمی و عنصرهای کارآمد و سطح بالای جمهوری اسلامی را از دست داده بودیم و من نگران بودم و هم در یک حال بهت قرار داشتم ... آن شب را گذراندیم و فردا صبح زود با اینکه بعضی‌ها من را منع می‌کردند، سوار ماشین شدم و به برادرانی که با من بودند گفتم مرا به مجلس ببرید.

مرا به مجلس آوردند و با زحمت زیاد خودم را به اتاق آقای هاشمی رفسنجانی رساندم و جنازه‌ها را دیدم و مردم هم جمع شده بودند و با اینکه دوستان من را از صحبت کردن منع می‌کردند، ولی دیدم که نمی‌توانم طاقت بیاورم و صحبت نکنم، لذا به میان مردم رفتم و صحبت کردم.

البته دوستان که مرا منع می‌کردند به خاطر حالم بود، ولی بعضی‌ها هم معتقد بودند که من حالا که نسبتاً هم خوب شده و می‌توانم بایستم و حرف بزنم و جلوی مردم ظاهر شوم، یک تسلی‌گونه‌ای در مقابل این حادثه خواهد بود. در حدود ۱۰ دقیقه با فشار زیاد صحبت کردم و خودم هم فکر نمی‌کردم که بتوانم در آن شرایط صحبت کنم که البته بعد آمدم به زمین افتادم و دکترها بالای سرم آمدند و به‌هرحال احساساتم خیلی تند و جوشان بود.

اسنادی از پیام‌های بنی‌صدر پس از حادثه تروریستی ۸ شهریور

پایکوبی در مراسم تدفین!

دوران ریاست‌جمهوری ابوالحسن بنی‌صدر، ایامی سرشار از تنش میان او و حزب جمهوری اسلامی و محمدعلی رجایی نخست‌وزیر بود. پس از صدور حکم عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ توسط مجلس، دومین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد. محمدعلی رجایی به ریاست‌جمهوری برگزیده شد، با این حال، با انفجار دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریور ۱۳۶۰، رجایی در قامت رئیس‌جمهور تنها ۲۸ روز مجال خدمت پیدا کرد.

شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر جدید- محمدجواد باهنر- موجب واکنش‌های زیادی در کشور شد و اکثر قریب به اتفاق فعالان سیاسی آن‌روز ایران این اقدام تروریستی را محکوم کردند. با این حال، واکنش رضایت‌آمیز ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور معزول ایران- با وجود همه اختلاف‌نظرهای پیشین- از این اقدام تروریستی برای بسیاری از فعالان سیاسی ایران تعجب‌آور بود.

بنی‌صدر که پس از برکناری توسط مجلس تا مدتی مخفیانه زندگی می‌کرد، در روز هفتم مرداد ۱۳۶۰ به‌همراه مسعود رجوی، سرکرده گروهک تروریستی سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، از کشور گریخت. او حدود یک ماه پس از خروج از کشور، در واکنش به ترور رجایی و باهنر، این حادثه را «طبیعی‌ترین پاسخ مردم ایران» عنوان کرد. او در طول دوران ریاست‌جمهوری‌اش به‌هرحال اختلافاتی با رجایی داشت، اما در واکنش به ترور او، مرزهای اخلاق و جوانمردی! را جابه‌جا کرد و نه‌تنها این حادثه تروریستی را تسلیت نگفت، بلکه شهادت رجایی و باهنر را ناشی از عملکرد خودشان دانست و در پیامی خطاب به مردم ایران، آنان را دعوت به تشکیل دولت جدید کرد. نگاهی به مصاحبه بنی‌صدر با خبرگزاری رویتر که در کنار رجوی، سرکرده مجاهدین خلق (منافقین)، می‌ایستد و ترور رجایی و باهنر را به مردم ایران شادباش می‌گوید، از جمله نقاط متعدد تیره و غیرقابل‌توجیه بنی‌صدر پس از انقلاب اسلامی است. پیام بنی‌صدر پس از حادثه ترور همکار پیشینش، بسیار قابل‌تأمل است، ادعای او بر اینکه غالب مردم ایران خواهان این ترور بوده‌اند، اثبات این واقعیت است که او حتی در مقام یک جامعه‌شناس- چنان‌که خودش مدعی بود- شناخت چندانی از جامعه ایران آن روز نداشت. در ادامه ترجمه این مصاحبه که در ۱۰ شهریور ۱۳۶۰ در نشریه ویژه شماره ۱۶۴ خبرگزاری پارس منتشر شده و در آرشیو اسناد «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» موجود است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفته‌های بنی‌صدر در مورد بمب‌گذاری دیروز (۸ شهریور)

بنابه گزارش خبرگزاری پارس به نقل از رویتر از پاریس، ۱۳۶۰/۶/۹، ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهوری پیشین ایران، گفت: بمب‌گذاری روز گذشته در دفتر نخست‌وزیری در تهران، نتیجه اعدام‌هایی است که به دستور آیت‌الله روح‌الله خمینی اجرا می‌گردد. بنی‌صدر که در خانه‌اش در نزدیکی پاریس صحبت می‌کرد، به خبرنگاران اظهار داشت: این نوع حمله، نتیجه منطقی جریانات [اخیر] است، نتیجه اعدام‌هایی است که به دستور [امام] خمینی اجرا می‌شود. از سوی دیگر، سخنگوی سازمان مجاهدین در پاریس نیز به خبرنگاران گفت: این بمب‌گذاری طبیعی‌ترین پاسخ مردم ایران به [...] و اعدام مجاهدین است. نه بنی‌صدر و نه سخنگوی مجاهدین که می‌گفت ظرف دو ماه گذشته، ۶۰۰ تن از هم‌رزمانش در ایران اعدام شده‌اند، ادعای داشتن ارتباط مستقیمی با جریان بمب‌گذاری نکردند.

بنی‌صدر همچنین در مصاحبه‌ای با مجله نیوزویک که امروز منتشر شد، اظهار داشت: آیت‌الله روح‌الله خمینی [...] در این تفکر که مردم ایران هرگز در مقابل او قد علم نخواهند کرد، دچار اشتباه است. وی ادامه داد: من روزهای وحشتناکی را با فکر کردن در این‌باره که چگونه انقلاب از مسیر خود منحرف شده است، سپری کردم. از خشونت بیزارم، ولی می‌دانم که اگر مقاومت نکنیم، تمامی کشور و مردم آن قربانی این رژیم خواهند شد.

بنی‌صدر هفته پیش نیز طی مصاحبه‌ای گفته بود: [آیت‌الله] خمینی ممکن است فکر کند آرامش به ایران باز می‌گردد، ولی در اشتباه است. بازی «مقاومتی» با [آیت‌الله] خمینی در جریان است و [آیت‌الله] خمینی ورق‌های زیادی برای ادامه بازی ندارد [...].

بنابه گزارش خبرگزاری پارس به نقل از خبرگزاری فرانسه از پاریس، ۱۳۶۰/۶/۹، بنی‌صدر، رئیس‌جمهوری سابق ایران، امروز در پاریس اظهار داشت: رجایی و باهنر به‌دست خودشان مرگ خویش را باعث شدند. بنی‌صدر که در مصاحبه با رادیو «اروپا - ۱» سخن می‌گفت، [ادامه داد]: «این طبیعی است که در یک وضعیت خشونت‌آمیز، کسانی که به‌وجودآورنده این شرایط هستند، خود قربانی شوند.» وی افزود: «بمب‌گذاری روز یکشنبه کاملاً قابل‌پیش‌بینی بود.» بنی‌صدر [همچنین] هرگونه شرکت خود در این بمب‌گذاری را تکذیب کرد و گفت: «من تنها نقش یک جامعه‌شناس را ایفا می‌کنم.» رئیس‌جمهوری معزول ایران به خبرنگاران گفت که قصد دارد تلگرافی به امام خمینی بفرستد و به وی بگوید که «این موج خشونت را متوقف کند، زیرا وی یک روحانی است و نمی‌تواند آزادی‌ها را حذف کند.» بنی‌صدر با تأکید بر برقراری آزادی‌ها در ایران، گفت: «[آیت‌الله] خمینی مجبور است تسلیم شود. وی استقرار آزادی‌ها را خواهد پذیرفت.» وی فاش کرد که اخیراً طی نامه‌ای به آیت‌الله خمینی، از وی خواسته است به‌فوریت استقرار مجدد آزادی‌ها را بپذیرد.

فرانس‌پرس می‌افزاید که به اعتقاد بنی‌صدر، چنین سوءقصدی بدون حمایت وسیع مردمی عملی نمی‌شد. رئیس‌جمهوری سابق ایران گفت: «مردم آزادی می‌خواهند و آن را به دست خواهند آورد.» وی افزود که رسانه‌های گروهی می‌توانند نقش مهمی در محکوم‌کردن خشونت در ایران بازی کنند. به گفته بنی‌صدر، «امام خمینی در ایران مسلماً از نیرویی برخوردار است، لکن از یک نیروی منفی.» ازسوی‌دیگر، وی اظهار امیدواری کرد واشنگتن و مسکو در امور داخلی ایران دخالت نکنند و تأکید کرد که «سیاست آمریکا در ایران در جهت استقرار دیکتاتوری فعلی بوده است.» رئیس‌جمهوری معزول ایران یک‌بار دیگر اظهار داشت که امیدوار است اقامتش در پاریس، حداقل زمان ممکن باشد.

بنی‌صدر ایرانیان را دعوت به تشکیل دولت جدید کرد

بنابه گزارش خبرگزاری پارس به نقل از رویتر از لندن، ۱۳۶۰/۶/۹، ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهوری پیشین ایران، امروز از مردم ایران خواست با تشکیل دولت جدیدی، امور کشور را در دست گیرند. وی در بیانیه‌ای که در پاریس منتشر شد و تلفنی برای رویتر خوانده شد، خاطرنشان ساخت که ایرانیان نباید اجازه دهند بحران خطرناک ایران بیش از این ادامه یابد. بیانیه مذکور به‌دنبال اعلام رسمی مرگ [شهادت] رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایران منتشر شده است. وی در این بیانیه خواستار انحلال مجلس که دشمنان سیاسی بنیادگرای بنی‌صدر اکثریت آن را تشکیل می‌دهند، شده است. رئیس‌جمهوری پیشین ایران [همچنین] اظهار داشت که حادثه دیروز بازتاب شدید رفتار اخیر دولت در قبال چپ‌گرایان و اعدام‌های آنها در پی محاکمات سریع است. از دو ماه پیش که بنی‌صدر از مقام خود عزل شد، حدود ۶۰۰ تن که بیشترین آنها را ناراضیان چپ‌گرا تشکیل می‌دادند، به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

خبرگزاری رویتر می‌افزاید: در بیانیه رئیس‌جمهوری پیشین ایران همچنین آمده است که هم‌اکنون زمان آن است که مردم ایران که نگران اوضاع بحرانی کشور هستند، اداره امور را در دست خود گیرند. در بخشی از این بیانیه [هم] از مردم ایران دعوت شده که خواستار انحلال مجلس تقلبی باشند و حکومت جدیدی برپایه انتخاباتی تازه تشکیل دهند.

این بیانیه که پیروزی در ایران را قریب‌الوقوع دانسته، خواستار تعقیب مقامات قضایی کشور به‌خاطر صدور فرمان اعدام‌های غیرقانونی شده است. در بیانیه بنی‌صدر آمده است: دادگاه‌های انقلابی باید وادار به تعطیل شوند و زندانیان سیاسی باید آزاد گردند. رئیس‌جمهوری پیشین ایران [همچنین] بنیادگرایان اسلامی را به‌خاطر بحران سیاسی و اقتصادی کشور نکوهش کرده و گفته است: سیاست‌های تخریبی و احمقانه آنان باید جای خود را به سیاست‌هایی که تقویت‌کننده استقلال و آزادی هستند، بدهند.

مسعود رجوی، رهبر مجاهدین که با بنی‌صدر به فرانسه گریخته نیز در بیانیه‌ای به ملت ایران به‌خاطر پیروزی در ترور دو تن از رهبران کشور تبریک گفته است [...].

اظهارات بنی‌صدر درباره فاجعه ۸ شهریور

به گزارش خبرگزاری پارس به نقل از رویتر از نیویورک، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور معزول ایران، امروز در یک مصاحبه تلویزیونی از فرانسه، درگیری‌های مسلحانه کنونی بر ضد رژیم اسلامی ایران را جنگ داخلی توصیف کرد.

بنی‌صدر گفت که درگیری‌های مسلحانه در ایران از مدتی قبل شروع شده است و افزود: تعداد تلفات نیروهای ما در جنگ علیه عراق، به ۲۰ نفر در روز بالغ می‌شود، در حالی که در درگیری‌های داخلی در دوطرف درگیر، حداقل ۱۰۰ نفر روزانه جان خود را از دست می‌دهند. بنی‌صدر در این مصاحبه هرگونه مداخله‌ای را در جریان بمب‌گذاری روز یکشنبه در تهران که منجر به شهیدشدن رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر جدید گردید، انکار کرد.

رئیس‌جمهور معزول گفت: «با موافقت و مخالفت من با بمب‌گذاری، چیزی تغییر نمی‌کرد. در طی دو ماه و نیم گذشته، رژیم جمهوری اسلامی اعدام ۸۰۰ نفر را که درحقیقت خیلی بیشتر از این رقم می‌باشد، اعلام کرده است. با توجه به این مسئله، چه نوع عکس‌العملی ازجانب مخالفین رژیم انتظار می‌رفت؟» بنی‌صدر همچنین گفت که عوامل آمریکا در ایران سرگرم انجام اقداماتی هستند. وی افزود: «در گذشته گفته می‌شد جاسوسان در هرکجا هستند، حتی در کابینه خود من و بنابراین این روزها نیز آنها همه‌جا پیدا می‌شوند، حتی در کابینه آیت‌الله روح‌الله خمینی».
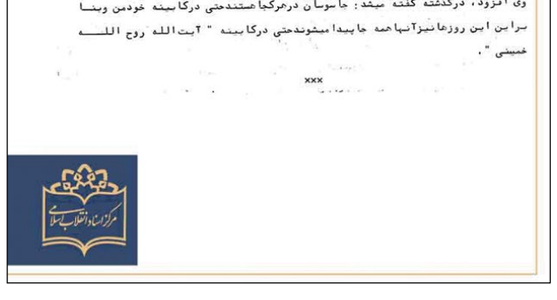
منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی